

بررسی اثربخشی درمان مبتنی بر رویکرد فرزند پروری بارکلی به مادران بر افزایش هوش هیجانی دانش آموزان

ناهید پاک منش

دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه هرمزگان

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی اثربخشی درمان مبتنی بر رویکرد فرزند پروری بارکلی بر افزایش هوش هیجانی دانش آموزان صورت گرفت. روش پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش گردآوری داده ها شبه آزمایشی با گروه آزمایش و کنترل بود. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه مادران دارای فرزند بودند که تعداد ۳۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند که تعداد پانزده نفر در گروه کنترل و پانزده نفر در گروه مداخله قرار گرفتند. روش جمع آوری داده ها بر اساس پرسشنامه هوش هیجانی انجام گرفت. پایایی پرسشنامه های بالای ۰/۷۰ بدست آمد. تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از اجرای پرسشنامه ها از طریق نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ بود و در دو بخش توصیفی و استنباطی (تحلیل کوواریانس) انجام پذیرفت. نتایج نشان داد شیوه فرزند پروری بر هوش هیجانی دانش آموزان مؤثر است. بر اساس یافته های پژوهش حاضر می توان اظهار داشت که باید تمهیداتی در نظر گرفت تا والدین از شیوه های فرزند پروری سازنده برای تربیت فرزندان خود استفاده کنند.

واژه های کلیدی: شیوه فرزند پروری بارکلی، هوش هیجانی، دانش آموزان

مقدمه

دانش آموزان هر کشوری از سرمایه‌های فکری و معنوی آن کشور به شمار می‌روند (تودوروویک و میتروویک^۱، ۲۰۱۷). بررسی مسائل خاص دانش آموزان از جمله تحصیل موفق و تأمین سلامت جسمی و روانی، اجتماعی آن‌ها از مهم‌ترین اهداف برنامه‌ریزان آموزش دولت‌ها می‌باشد (فورستر، گریگسبای، بانیان، آنگر و ولنت^۲، ۲۰۱۵). در همه کشورهای دنیا از جمله کشور ما، مسائل آموزشی و مشکلات روان‌شناختی بین دانش آموزان دامنه وسیعی به خود می‌گیرد و به نظر می‌رسد که عوامل متعددی سلامت آن‌ها را به خطر می‌اندازد. برخی از این عوامل موجب بهبود عملکرد تحصیلی و برخی دیگر باعث تضعیف عملکرد فراگیران می‌شوند (اخوان تفتی و ولی زاده، ۱۳۸۵).

یکی از موضوع‌های مورد بررسی در ارتباط با دانش آموزان هوش هیجانی می‌باشد که طی سال‌های اخیر فهم ماهیت هیجان و رابطه آن با شناخت با معرفی مفهومی نوظهور هوش هیجانی ابعاد تازه‌ای به خود گرفته است. به طوری که می‌توان این رویداد را به عنوان آخرین پیشرفت در قلمرو مطالعه هیجان و شناخت تلقی کرد (مایر^۳، ۲۰۰۱؛ به نقل از شنبدی، ۱۳۹۵). هوش هیجانی مفهومی است که برای نخستین بار توسط اسلوی و مایر معرفی شد و سپس توسط گلمن^۴ جنبه عام یافت (بار^۵، ۱۹۹۷؛ به نقل از شنبدی، ۱۳۹۵). از نقطه نظر کاربردی، نظریه پردازان هیجان بر این باورند که توانایی‌های سازنده هوش هیجانی با درک هیجان‌ها، تنظیم حالات عاطفی و به کارگیری آگاهی هیجانی با سازگاری روان‌شناختی، موفقیت، پیش‌بینی و رضایتمندی کلی از زندگی مرتبط است (مونشا^۶، ۲۰۱۵). همچنین هیوم اعتقاد داشت که اخلاق، هیجان را بر می‌انگیزد و از آن طریق عمل را به راه می‌اندازد (هابنر، دوئر و هوسر^۷، ۲۰۰۸). هوش هیجانی دریافت و ارزیابی هیجان‌ها، بیان هیجان‌ها، شناسایی و تنظیم هیجان‌ها به منظور رشد عقلانی است (گلمن، ۱۹۹۵)، در حقیقت هیجان باعث تغییراتی در بازنمایی‌های اطلاعاتی در نحوه سازماندهی جهان بیرون در حافظه ایفا می‌کند و این ارتباط موجب القای عاطفه در تفکر و رفتار می‌شود؛ و بر تفکر و رفتار افراد تأثیر می‌گذارد (کیاروچی، ۲۰۱۶).

از سوی دیگر، پژوهش‌های مختلف بر اهمیت سلامت روانی خانواده به طور کلی و مادران به طور اخص تأکید کرده‌اند و آن را تحت تأثیر موارد مختلفی می‌دانند و در صورتی که فشارهای روان‌شناختی بر اعضا وارد شود هم یکی از اعضا و هم کلیه خانواده درگیر می‌شوند و تأثیرات مخرب روان‌شناختی به جا می‌گذارد و خانواده را درگیر می‌کند (آل ریچوا^۸، ۲۰۱۵). به همین دلیل روش‌های درمانی مختلفی اعم از دارو درمانی، رفتار درمانی و مشاوره (رامسی و راسل^۹، ۲۰۰۷) و آموزش مدیریت والدین و آموزش روش والدگری به شیوه بارکلی^{۱۰} و دیگر روش‌های درمان روان‌شناختی برای بهبود وضع این کودکان و افرادی که در تعامل با آنها هستند در نظر گرفته شده است (فابیو و همکاران^{۱۱}، ۲۰۰۹) و نتیجه آن بهبود سلامت روانی افراد خانواده می‌باشد.

در حقیقت خانواده شبکه‌ای از الگوهای ارتباطی است که در آن والدین و کودکان در فرایند دو سویه با یکدیگر تعامل دارند (ملک خسروی، ۱۳۸۲). نگاهی به پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که توجه به مساله خانواده در بررسی آسیب‌های روان‌شناختی فرزندان به طور فزاینده‌ای مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفته است. در دهه‌های اخیر روان‌شناسان تأکید بسیاری بر روابط کودک با مراقبینش داشته‌اند و بر این باورند که صمیمیت والدین خطر ابتلای کودک به اختلالات روانی را کاهش می‌دهد؛ و آموزش والدین موجب افزایش شناخت آنان از ماهیت کودکانشان می‌گردد و اعتماد به نفس‌شان را در خصوص

¹-Todorović & Mitrović

²- Forster, Grigsby, Bunyan, Unger & Valente

³- Mayer

⁴- Goleman

⁵- Bar-on

⁶- Munsha

⁷- Huebner, Dwyer & Hauser

⁸- Ulrichova

⁹- Ramsy & Russell

¹⁰- Barkley's parent training

¹¹- Fabio and et al

نقش فرزندپروری بالا می رود و نیز به آنها کمک می کند تا رفتارهای نامناسب فرزند خود را کنترل کرده و کاهش دهند و در تربیت آنها احساس موفقیت بیشتری داشته باشند. همچنین بررسی ها نشان می دهد اثرات درمانی به مدت ۴ تا ۵ سال پس از آموزش پایدار خواهد ماند. در این نوع درمان، برنامه اصلاح رفتار کودک در محیط طبیعی منزل و از طرف والدین که بیشترین تعامل را با او دارند، اجرا می شود (بارلو و پرسنز^۱، ۲۰۰۲).

در نهایت باید گفت توجه به اهمیت هوش هیجانی در دانش آموزان، می توان گفت که این پژوهش با هدف رشد و تداوم هوش هیجانی در دانش آموزان شکل گرفته است و یکی از روش های سودمند برای افزایش آنها تأثیر گذار می باشد، توجه به آموزش شیوه والدگری می باشد. براساس مطالب بیان شده سؤال اساسی پژوهش حاضر این است که آیا آموزش والدگری به شیوه بارکلی به مادران بر هوش هیجانی دانش آموزان تأثیر گذار است یا خیر

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر نیمه تجربی و طرح پژوهش پیش آزمون - پس آزمون با گروه گواه می باشد. متغیر مستقل تأثیر آموزش روش والدگری مبتنی بر شیوه بارکلی است که تنها بر گروه آزمایش اعمال شده و تأثیر آن بر نمرات پس آزمون در گروه آزمایش بررسی شد و با گروه گواه مورد مقایسه قرار گرفت. در این طرح دو گروه وجود دارند: آزمایش (N=۱۵) و گواه (N=۱۵). مداخله بر روی گروه آزمایش انجام شد و گروه گواه هیچگونه آموزشی را دریافت نکرد. سپس هر دو گروه بعد از پس آزمون مورد مقایسه قرار گرفتند. در این پژوهش گروه آزمایش در ۸ جلسه مورد آموزش روش والدگری مبتنی بر شیوه بارکلی با استفاده از پروتکل طراحی شده مورد مداخله قرار گرفتند و بعد از جلسات درمانی برای گروه آزمایش، هر دو گروه مورد پس آزمون قرار گرفتند.

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری:

جامعه آماری این پژوهش کلیه مادران داری فرزند بیش فعال ۷ تا ۱۲ سال مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان بودند که این مراجعه کنندگان دارای پرونده بودند که تعداد ۳۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند که تعداد پانزده نفر در گروه کنترل و پانزده نفر در گروه مداخله قرار گرفتند. برای انتخاب افراد نمونه از روش نمونه گیری در دسترس استفاده شد.

ابزار گردآوری داده ها

مقیاس هوش هیجانی شات و همکاران: این مقیاس یک آزمون ۳۳ سوالی است که به وسیله شات و همکاران (۱۹۹۸) براساس مدال هوش هیجانی سالوی و مایر (۱۹۹۰) و مایر و سالوی (۱۹۹۷) ساخته شده است. سوال های آزمون سه مولفه سازه هوش هیجانی شامل تنظیم هیجان ها، بهره وری از هیجانها و ارزیابی هیجانها را در مقیاس ۵ درجه ای لیکرت از نمره یک (کاملاً مخالف) تا نمره ۵ (کاملاً موافق) می سنجد. مقیاس هوش هیجانی گرچه از سه مولفه پیش گفته اشباع شده، تنها یک نمره کلی برای هوش هیجانی به دست می دهد که دامنه آن بین ۳۶ تا ۱۶۵ متغیر است. ضریب پایایی بازآزمایی مقیاس در مورد یک نمونه ۲۸ نفری از دانشجویان به فاصله دو هفته ۰/۷۸ محاسبه شد (شات و همکاران، ۱۹۹۸). همسانی درونی سوالهای آزمون بر حسب ضریب آلفای کرونباخ از ۰/۸۴ تا ۰/۹۰ گزارش شده است.

خلاصه جلسات درمانی

پس از جایگزینی نمونه های پژوهش به دو گروه آزمایش و گواه، گروه آزمایش به مدت ۹ جلسه ۹۰ دقیقه ای با استفاده از پروتکل آموزشی تدوین شده توسط بارکلی (۱۹۹۷) مورد مداخله قرار گرفتند و در این مدت گروه گواه هیچگونه آموزشی را دریافت نکرد.

^۱. Balo & Parsenz

جدول ۱: خلاصه اهداف و محتوای هر جلسه

تعداد جلسات	محتوای هر جلسه و اهداف
جلسه اول	آشنایی و انجام پیش آزمون، توضیح برای مادران در مورد دلایل ایجاد و بروز اختلالات رفتاری کودکان از جمله: اختلال نافرمانی
جلسه دوم	مرور مباحث جلسه قبل، متمرکز کردن توجه مادران به توجه مناسب به رفتارهای مطلوب کودک و بی توجه ای به رفتارهای نامطلوب، ارائه تکلیف به مادران
جلسه سوم	مرور مباحث جلسه قبل، آموزش به مادران برای شرکت در بازی‌های کودک همراه با توجه مناسب به بدون هیچ گونه سرزنش یا دستور. ارائه تکلیف به مادران.
جلسه چهارم	مرور مباحث جلسه قبل، آموزش به مادران در صورتی که تمجید در کاهش رفتارهای نامطلوب اثر چندانی نداشت استفاده از پاداش و تقویت. ارائه تکلیف به مادران.
جلسه پنجم	مرور مباحث جلسه قبل، آموزش به مادران در استفاده از تنبیه ملایم مثل زمان محرومیت. ارائه تکلیف به مادران
جلسه ششم	مرور مباحث جلسه قبل، آموزش به مادران در استفاده از زمان محرومیت برای رفتارهای دیگر. ارائه تکلیف به مادران
جلسه هفتم	مرور مباحث جلسه قبل، آموزش به مادران در به کارگیری تکنیک‌های اصلاح رفتار در بیرون از منزل. ارائه تکلیف به مادران
جلسه هشتم	مرور مباحث جلسه قبل، آموزش به مادران در به کارگیری تکنیک‌های اصلاح رفتار برای مشکلات رفتاری احتمالی در آینده. ارائه تکلیف به مادران
جلسه نهم	بررسی استفاده از روش‌های مدیریت رفتار توسط مادران و ارزیابی مجدد ماهیت و میزان اختلال رفتاری مخل کودک در مرحله پس از درمان

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی (جداول فراوانی، درصد، میانگین) و آمار استنباطی استفاده شد. قبل از اجرای آزمون‌ها نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کلوموگراف اسمیرنوف مورد بررسی قرار گرفت و به دلیل اینکه داده‌ها نرمال بودند از آزمون‌های پارامتریک (تحلیل کوواریانس) استفاده به عمل آمد. جهت تحلیل آماری از نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ استفاده شد.

یافته‌ها

مشخصات توصیفی شرکت کنندگان به شرح زیر می باشد.

جدول ۲: میانگین و انحراف استاندارد هوش هیجانی در پیش آزمون و پس آزمون به تفکیک گروه‌ها (N=30)

SD	M	گروه	
۱/۱۲	۵۶/۰۰	پیش آزمون	آزمایش
۳/۹۳	۶۵/۱۶	پس آزمون	
۰/۴۶	۴۸/۰۰	پیش آزمون	کنترل

۲/۵۶	۴۹/۹۶	پس آزمون	
------	-------	----------	--

اطلاعات توصیفی میزان هوش هیجانی در جدول ۲ به تفکیک پیش آزمون و پس آزمون در دو گروه آزمایش و کنترل ارائه شده است. همچنان که ملاحظه می شود میانگین گروه آزمایش در مرحله پس آزمون، نسبت به پیش آزمون افزایش نشان می دهد، اما در گروه کنترل تغییری مشاهده نمی شود. برای سنجش فرضیه اول پژوهش از آزمون آماری آنکوا (ANCOVA) استفاده شده است که اطلاعات آن در جداول زیر ارائه شده است.

فرضیه دوم پژوهش: بررسی اثربخشی درمان مبتنی بر رویکرد فرزند پرری بارکلی به مادران بر هوش هیجانی دانش آموزان

نتایج تحلیل کوواریانس برای تعیین تأثیر متغیر مستقل در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۳. نتایج آزمون کوواریانس برای تعیین تأثیر درمان مبتنی بر رویکرد فرزند پرری بارکلی به مادران بر هوش هیجانی دانش آموزان

متغیر	شاخص آماری	SS	Df	MS	F	معنی داری
هوش هیجانی	گروه	۴۲۱/۱۵	۱	۴۲۱/۱۵	۴/۲۲	۰/۰۰۱

طبق نتایج همین جدول مشاهده می شود که با توجه به اینکه F محاسبه شده برای هوش هیجانی و با توجه به معنی داری به دست آمده (۰/۰۰۱) که بزرگتر از سطح معنی داری ۰/۰۵ است، می توان به این نتیجه رسید که آموزش شیوه فرزند پروری بارکلی به مادران تأثیر معناداری بر هوش هیجانی دانش آموزان دارد، بنابراین نتیجه گرفته می شود که استفاده از این شیوه درمان در شرکت کنندگان گروه آزمایشی به نسبت گروه کنترل تأثیر بیشتری بر هوش هیجانی دانش آموزان دارد.

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی درمان مبتنی بر رویکرد فرزند پرری بارکلی به مادران بر افزایش هوش هیجانی دانش آموزان بود؛ که با توجه به نتایج بدست آمده با سطح اطمینان ۰/۹۵، بین دو گروه گواه و آزمایش تفاوت معناداری وجود داشت. F به دست آمده در سطح ۰/۰۵ معنادار بود. در پژوهشی که توسط پارت، مک کی، آنتون، گونزالز، جونز و فورهند^۱ (۲۰۱۶) تحت عنوان، نقش ذهن آگاهی در والدگری و مشارکت والدین انجام دادند، یافته ها در سه مرحله از رشد نوجوانان نشان دادند که اثرات ذهن آگاهی هدف مند والدین به همان اندازه اثرات غیرمستقیم ذهن آگاهی والدین و مشارکت آگاهانه والدین در کیفیت روابط مشارکتی و والدگری تأثیر دارد. همچنین برتین^۲ (۲۰۱۵) در مطالعه خود با عنوان والدگری ذهن آگاه برای کودکان، بیان می کند که استرس خانواده نیز مدیریت رفتار کودک را سخت تر از قبل می کند و چرخه معیوب استرس زا را شکل می دهد. داده های موجود نشان می دهد که مراقبت کنندگان خانوادگی و مخصوصاً مادران بزرگترین گروه مراقبین هستند (ریور، الیوت، بری، شوکوک، اسوالد و گرت^۳، ۲۰۰۶)، اگر چه مراقبین خانوادگی بر شایستگی سیستم های مراقبت بهداشتی عمل می کنند، مسئولیت های زیاد مراقبت، فقدان آمادگی لازم و آموزش های مناسب سلامت جسمی و هیجانی آنها را پایین می آورد (الیوت، بری و گرت، ۲۰۰۹). آنها حس بی ارزشی و مقصر دانستن خود دارند، میزان استرس آنها بالا، سطح بهداشت روانی و کیفیت زندگی آنها پایین است (ریور و همکاران، ۲۰۰۶). مادران مسئولیت سنگین تری در مراقبت از کودکان دارند که باعث بروز مسایلی از قبیل مختل شدن وضعیت خواب، مشکلات روانی جسمانی، بهم خوردن تعادلات اجتماعی، مسائل زناشویی، فشار مالی و محدودیت زمانی، برای رسیدگی به مسائل سلامتی می شود و توجه به اینکه آنان در شیوه فرزند

^۱: Parent, McKee, Anton, Gonzalez, Jones, Forehand

^۲: Bertin

^۳: River, Elliott, Berry, Shewchuk, Oswald & Grant

پروری خود بهترین شیوه ممکن را پیش بگیرند امری حیاتی می باشد و در پژوهش های مختلفی از قبیل، فیونا و ساندرز^۱ (۲۰۱۲)، تاثیر آموزش برنامه تربیت سازنده بر روی خانواده که فرزندان در سنین ۹-۵ سال بررسی گردید، خانواده ها در دو گروه شاهد و تحت آموزش قرار گرفتند. پس از اتمام برنامه، والدین گروه آموزش، کاهش مشخصی در شدت رفتارهای مخرب و مقابله جویانه کودکان و تکانش گری و پرفعالیتی آنها گزارش نمودند. در این والدین در زمینه توانایی های فرزند پروری، افزایش خودباروری و اعتماد به نفس و کاهش تعارضات بین زوجین و میزان رضایتمندی از زندگی در مقایسه با گروه شاهد تفاوت معنی دار به دست آمد. همچنین ادواردز، سالیوان، مینی والن، کانتور^۲ (۲۰۱۰) در پژوهش خود نشان دادند که آموزش ارتباط کودک-والد می تواند باعث کاهش نشانگان اختلال کاستی توجه/بیش فعالی کودکان و افزایش خودکارآمدی والدینی در والدین این کودکان شود. از جمله محدودیت های پژوهش حاضر عدم وجود کنترل برای متغیرهای مداخله گر از جمله عوامل وراثتی که پژوهشگر قادر به کنترل آنها نبوده است. نبودن پژوهش مشابه با پژوهش حاضر در نتیجه پژوهشگر را در جمع آوری اطلاعات و نتیجه گیری با مشکلاتی مواجه کرد. محدود بودن جامعه آماری پژوهش حاضر، در نتیجه تعمیم نتایج به سایر دانش آموزان باید با احتیاط صورت پذیرد. لذا پیشنهاد می شود کارگاه هایی در باب شیوه های فرزند پروری صحیح برگزار شود و آگاهی های لازم به والدین دانش آموزان در باب تاثیر شیوه فرزند پروری آنها بر فرزندانشان برگزار شود.

منابع

۱. شنبیدی، فرزاد (۱۳۹۵). مقایسه هوش هیجانی و طرحواره های ناسازگار اولیه و تاب آوری در زنان عادی و مطلقه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه عامه طباطبایی، چاپ نشده.
۲. گلمن، دی. (۱۹۹۵). هوش هیجانی، ترجمه پارسا (۱۳۹۱). تهران: انتشارات رشد.
۳. ملک خسروی، غ (۱۳۸۲). کارکرد خانواده در کودکان مبتلا به اختلال بیش فعالی/ نقص توجه. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. تهران.
4. Barkley, R. A. (2002). Psychosocial treatment for attention deficit hyperactivity disorder. *Journal of Clinical Psychiatry*, 63. 36-43.
5. Barlow, J. & Parsons, J. (2002). Group based parent-training programs for improving emotional and behavioral adjustment in 0-3-year-old children (Cochrane Review). The Cochrane library (Issue 2). Oxford. Update software.
6. Bertin M. (2015). Mindful Parenting for ADHD. *Mindfulness*, 16: 1-9
7. Carter, J. A., & Palermos, S. O. (2016). The Ethics of Extended Cognition: Is Having your Computer Compromised a Personal Assault?.
8. Ciarrochi J. (2016). Emotional intelligence in every day life, a scientific inquiry. Psychology press.
9. Fabio, G. A., Pelham, W. E., Coles, E. K., Gnagy, E. M., Chronis-Tuscano, A., & O'Connor, B. C. (2009). A meta-analysis of behavioral treatment for attention deficit/hyperactivity disorder. *Clinical Psychology Review*. 29 (2), 129-40.
10. Facione, N. & Facione, P. (1997) Critical Thinking Assessment in Nursing Education Programs: An Aggregate Data Analysis. Millbrae, CA: California Academic Press.
11. Forster, M., Grigsby, T. J., Bunyan, A., Unger, J. B., & Valente, T. W. (2015). The protective role of school friendship ties for substance use and aggressive behaviors among middle school students. *Journal of school health*, 85(2), 82-89.

¹: Fiona & Sanders

²: Edwards, Sullivan, Meany, Walen, & Kantor

12. Huebner, B., Dwyer, S., & Hauser, M. (2008). The role of emotion in moral Psychology *Trends in Cognitive Sciences*, 13, 1-6.
13. Munsch, C. L. (2015). Her Support, His Support: Money, Masculinity, and Marital Infidelity. *American Sociological Review*, 80(3), 469-495.
14. Parent, J., McKee, L., Anton, M., Gonzalez, M., Jones, D.J., Forehand, R. (2016). Mindfulness in Parenting and Coparenting. *Mindfulness*, 7(2): 504-513.
15. Qing, Z. H., Jing, G., Yazhuan, L., Ting, W., & Junping, M. (2016). Promoting preservice teachers' critical thinking Disposition by inquiry-based chemical experiment. *Social and Behavioral Sciences* 9 (?) 1429–1436.
16. Qing, Z. H., Jinga, G., & Yan, W. (2010). Promoting preserves teachers' critical thinking skills by inquiry-based chemical experiment. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 2(2):4597-4603.
17. Ramsay, J., & Russell, L. (2007). Cognitive behavioral therapy for adult ADHD. *Rutledge*. 26 (4), 433- 444.
18. Schutte, N. S., Malouff, J. M., Hall, L. E., Haggerty, D., Cooper, J. T., Golden, C., & Dornheim, L. (1998). Development and validation of a measure of emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*, 25, 167-177.
19. Todorović, D., & Mitrović, M. (2017). VARIOUS MODALITIES OF AGGRESSIVE BEHAVIOUR AND EMOTIONAL COMPETENCE AMONG STUDENTS OF SPORT AND PHYSICAL EDUCATION AND STUDENTS OF OTHER FACULTIES—A PILOT STUDY. *Facta Universitatis, Series: Physical Education and Sport*, 389-398.
20. Ulrichova, M. (2015). Ethical aspects in the psychotherapy of graduates, with an accent on spirituality and religion, *Procedia – Social and Behavioral Sciences* 171, 654 – 660.

Effectiveness of treatment based on Barclay's parenting approach to mothers on increasing emotional intelligence of students

Nahid Pakmanesh

Master's Degree in General Psychology, Hormozgan University

Abstract

The aim of this study was to investigate the effectiveness of treatment based on Barclay's parenting approach on increasing emotional intelligence in students. The research method was applied in terms of purpose and in terms of collecting data, a quasi-experimental study was conducted with the experimental and control group. The statistical population of the study consisted of all mothers with children, of which 30 were selected as the sample. Fifteen subjects were in the control group and fifteen in the intervention group. The data collection method was based on emotional intelligence questionnaire. The reliability of the questionnaire was higher than 0.70. Data analysis was performed using SPSS software version 23 and implemented in descriptive and inferential sections (covariance analysis). The results showed that parenting style is effective on students' emotional intelligence. Based on the findings of the present study, it should be noted that arrangements should be made for parents to use parenting methods to educate their children.

Key words: Barclay Parenting Style, Emotional Intelligence, Student
